

نقش ایرانیان در فتح مدائن به دست مسلمانان در سال ۱۶ هـ.ق.

سحر فریدونی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵

چکیده

مدائن به عنوان تختگاه اصلی ساسانیان، هم‌زمان با فتوحات اسلام به عنوان هدف اصلی مسیر گسترش اسلام به شرق، توسط اعراب مسلمان برگزیده شد. آن چه باعث فتح سریع‌تر و راحت‌تر این ابرشهر توسط مسلمانان گشت، همراهی برخی ایرانیان با پیروان آیین جدید بود. برای نمونه، هنگام ورود سپاه اسلام به مدائن، مردم، شهرهای مدائن را تقریباً خالی کرده بودند و هیچ‌گونه مقاومتی از خود نشان ندادند و در بعضی موارد، گروه‌هایی از ایرانیان به سپاه اسلام پیوستند و سپاه اسلام را در موارد گوناگون، مانند دعوت مردم به اسلام و همچنین تشویق آن‌ها به صلح یاری کردند. چنین به نظر می‌رسد که از بررسی روند رخدادهای تاریخی این دوره، می‌توان چنین استنباط کرد که در کنار حضور نظامی اعراب مسلمان، اقدامات ایرانیان در قالب افراد طبقات مختلف جامعه‌ی عصر ساسانی نظیر نخبگان (سلمان فارسی)، جنگاوران (اسواران) و طبقه‌ی دهقان (شیرازاد) نیز امری قابل تأمل است. در این پژوهش، چگونگی و چرایی حضور ایرانیان در جریان این رویداد مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: مدائن، سلمان فارسی، شیرازاد دهقان، اسواران.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): فریدونی، سحر (۱۳۹۸، بهار). «نقش ایرانیان در فتح مدائن به دست مسلمانان در سال ۱۶ هـ.ق». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره اول. صص ۴۴-۳۳.

^۱. کارشناس ارشد تاریخ، مدرس دانشگاه. s.fereidooni.history@gmail.com

۱. مقدمه

فتوحات در اسلام به معنی کشورگشایی نیست، بلکه با هدف نجات همه‌ی انسان‌ها از انحرافات و گمراهی‌ها انجام گرفت. در زمان خلیفه‌ی دوم؛ عمر بن خطاب، در سال ۱۶ هـ ق، سپاه اسلام، شهرهای ایران را یکی پس از دیگری فتح کردند و در جنگ بزرگ قادسیه، لشکر ایران شکست سختی خورد و زمینه‌ی تصرف شهر مدائن فراهم گردید. شهرها و قلعه‌های مدائن، ماه‌ها در محاصره‌ی سپاه اسلام بود، سپاهی که از شصت هزار نفر تشکیل می‌شد.

با توجه به این امر که در این دوره، سرزمین ایران جایگاه افراد مختلفی از اقوام متعدد عرب، ترک، ایرانی بوده و هم‌چنین ادیان متفاوتی مانند زرتشتی، مسیحی، یهودی و ... را در دل خود داشته، در این پژوهش، منظور از «ایرانیان» ساکنان این دیار هستند و تنها ایرانی به مفهوم دارنده‌ی هویت ایرانی مطرح نیست. این ایرانیان علاوه بر کمک به سپاه اسلام و نقش مؤثرشان در پیروزی اعراب، در انتقال موارث ایرانی به عصر اسلامی تأثیرگذار بودند.

درباره‌ی ایرانیان مؤثر در فتح مدائن، تاکنون مقاله‌ی مستقلی به رشته‌ی تحریر در نیامده و در کتب تحقیقی یا اشاره‌ای نشده و یا این اشاره به صورت گذرا بوده است. این مقاله در نظر دارد با استفاده از شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و متون تاریخی، نقش اقدامات ایرانیان به-عنوان یاری کننده‌ی اعراب مسلمان را در فتح مدائن مورد بررسی قرار دهد. فرضیه‌ی اصلی این پژوهش بر این قاعده استوار است که به نظر می‌رسد در فتح مدائن دو عامل اصلی مؤثر بوده است: یکی مقاوت سرسختانه‌ی عرب‌های مسلمان که بینش مذهبی آنان نیز در این راه مؤثر بوده است و دیگری همکاری ایرانیان جدا شده از ساسانیان و ضعف بینش مذهبی آنان بوده است. به نظر می‌رسد برای فتح مدائن، گروه‌ها و افرادی نقش داشتند که در ابتدا به نقش گروه‌ها (دهقانان، اسواران) و سپس به صورت موردی نقش اشخاص را مطرح می‌کنیم؛ اگرچه بر اساس تحلیل‌های تاریخی، افراد دیگری نیز در فتح مدائن نقش داشتند که در کتب تاریخی نامی از آن‌ها نیامده است، لذا در این پژوهش، تنها به نقش سلمان و شیرازاد پرداخته خواهد شد.

به تناسب فرضیه، این سؤالات قابل بررسی هستند:

۱. آیا پیوستن تعدادی از ایرانیان به عرب‌ها، عامل اصلی فتح مدائن بوده است؟
۲. سلمان فارسی چه نقشی در پیروزی مسلمانان داشت و حضور او در مدائن چه تأثیری داشت؟
۳. نقش طبقات (دهقانان، اسواران) در پیروزی مسلمانان چه بود؟

۲. چگونگی ورود فاتحان به ایران

در زمان یزدگرد سوم، مسلمانان به خاک ایران هجوم آوردند و بعد از جنگ‌هایی به عمر سلسله‌ی ساسانیان خاتمه دادند. اولین جنگ مسلمانان و ساسانیان که به «ذات السلاسل» معروف است، در سال ۱۲ هـ ق، در زمان خلافت ابوبکر به وقوع پیوست. خالد بن ولید، سردار مسلمانان در این جنگ، هرمزد، سردار ایرانی را کشت و مسلمانان پیروز شدند.

ابوبکر در سال ۱۳ هـ ق فوت کرد و عمر بن خطاب جای او را گرفت. ابو عبید ثقفی، سردار عمر، در سال ۱۳ هـ ق در جنگ «جسر» (پل) از ایرانیان به فرماندهی بهمن جادویه شکست خورد و کشته شد (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۶۶-۶۶۵). مسلمانان در سال ۱۴ هـ ق به وسیله‌ی سردار دیگر عمر به نام مثنی بن حارثه، در جنگ «بویب» بر ایرانیان به سرداری مهران مهرینداد پیروز شدند و سردار ایرانی در این جنگ کشته شد. در سال ۱۵ هـ ق جنگ معروف «قادسیه» بین ایرانیان به سرداری رستم فرخزاد و مسلمانان به سرداری سعد بن ابی وقاص به وقوع پیوست و ایرانیان شکست خوردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۸-۲۷).

هرج و مرج سیاسی و اقتصادی دولت شاهنشاهی ساسانی، یکی از عوامل مهم سقوط آن رژیم بود، چرا که مردم از سلسله‌ی ساسانیان ناراضی بودند. در نتیجه‌ی این امر، از همراهی با سپاه ساسانی در جریان فتوحات، رفته رفته کناره‌گیری کردند و باعث سقوط این سلسله شدند.

۳. موقعیت جغرافیایی مدائن

«مدائن» جمع «مدین» است و این عنوان در چند آیه از قرآن کریم آمده که به معنای شهرها می‌باشد (سوره اعراف آیه‌ی ۱۱۱؛ سوره شعراء آیات ۳۶ و ۵۳). در این نوشتار، منظور از مدائن؛ مدائن واقع در عراق می‌باشد (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۶) که از مجموعه شهرهایی تشکیل شده و به مداین عراق، مداین کسرا و مداین خسرو معروفند (مصاحب، ۱۳۴۵: ۲/ ۲۷۱۴) و در دو جانب دجله واقع است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۵). مداین نام مجموعه‌ی هفت شهر آبادان و نزدیک به هم بود که در آن روزگار به زبان سریانی «مدیناتا» یعنی «شهرها» گفته می‌شد (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۳۲۷). لسترنج می‌نویسد:

«مدائن اسمی است که اعراب بر خرابه‌های دو مرکز متصل به یکدیگر یعنی کتیسفون و سلوکیه گذارده‌اند و آن دو شهر را سه قرن پیش از میلاد، سلوکی‌ها بنیاد نهادند.» (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۵).

ابن حوقل، مدائن را این‌گونه معرفی کرده که مداین شهر کوچکی است، متعلق به قبل از اسلام و قدیمی که منسوب به پادشاهان ساسانی است و در آنجا ایوان معروف به ایوان کسری است. برخی

بر آنند که ضحاک نخستین کسی است که آنجا را بنا کرد و تبعه (قوم تبع) در آن سکونت کردند و ابراهیم علیه السلام بدانجا درآمد (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۱/۲۴۴).

در مجموع، این هفت شهر که به «مداین» موسوم‌اند، عبارت‌اند از: تیسفون، اسپانبر و شهر رومگان که ویه اندیو خسرو (بهتر از انطاکیه خسروان) نیز نام داشت در ساحل شرقی دجله، در جانب غربی آن، شهر ویه‌اردشیر (به‌بهرسیر و سلوکیه نیز معروف است)، درزندان و ماحوزا (کریستین سن، ۱۳۸۹: ۳۸۰؛ زرین کوب، ۱۳۹۲: ۳۲۸) و ساباط که ایرانیان آن را بلاس‌آباد می‌نامند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۶۶/۳). تلفظ نام این شهرها در نوشته‌های مورخان اختلاف دارد. پنج شهر تیسفون، اسپانبر، رومیه، به اردشیر و ساباط در زمان یعقوبی یعنی قرن سوم وجود داشته است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۳۵). پادشاه در کاخ سفید تیسفون اقامت داشت و طاق کسری یا ایوان مداین در ویرانه‌های اسپانبر واقع بود (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۳۲۸).

۴. فتح مدائن

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فتوحاتی را پیشگویی کرده بود و از آن جمله فتح مدائن بود (طبرسی، ۱۳۷۳: ۲/۴۲۸-۴۲۷؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۳۱۸؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱/۱۰۴).

مسلمانان بعد از نبرد قادسیه در شهر بهرسیر واقع در ناحیه‌ی کوفه گرد آمدند. ۹ ماه و به قولی ۱۸ ماه در آنجا بودند تا جایی که دو بار خرمای تازه خوردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷۵).

دینوری مدت محاصره را ۲۸ ماه ذکر کرده که دو عید قربان در آنجا قربانی کردند و به خاطر طولانی شدن مدت محاصره عموم دهقانان آن حدود با سعد بن ابی وقاص صلح کردند (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۶۰). محاصره‌ی اهل مدائن چنان رو به سختی رفت که محاصره‌شدگان از شدت گرسنگی مجبور به خوردن سگ و گربه شدند و بسیار بردباری کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۳؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/۳۱۸).

سعد بن ابی وقاص، خالد بن عرفطه را فرمانده‌ی سپاه کرد و او موفق به گشودن ساباط شد، سپس به رومیه رفت و با اهل این شهر صلح کرد، مشروط بر آن که هر کسی از ایشان بخواهد، می‌تواند از اینجا برود؛ اما کسانی که قصد ماندن دارند باید راه اطاعت و مناصحت در پیش گیرند و علاوه بر پرداخت خراج، مسلمانان را راهنمایی کنند و بر ضد آنها، اندیشه‌ی خیانتی در سر نداشته باشند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷۶). یزدگرد در حالی که «هزار نفر طبخ و هزار تن رامشگر و هزار تن بازبان و جماعتی کثیر از سایر خدمه همراه او بودند؛ و شاهنشاه این گروه را هنوز کم می‌دانست» از پایتخت فرار کرد (الاصفهانی، بی‌تا: ۴۹). با سقوط تیسفون، پایتخت ۴۰۰ ساله‌ی ساسانیان از میان رفت. سقوط مدائن، علاوه بر فرار یزدگرد زمینه‌های شکست بعدی و نهایتاً سقوط ساسانیان را رقم زد.

زد. با عقب نشینی ایرانیان سلطه‌ی آنها در بین‌النهرین عملاً از بین رفت (اشپولر، ۱۳۷۷: ۱۳/۱-۱۲) و با توسعه‌ی بصره، کوفه و واسط، مدائن اهمیت خود را از دست داد (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۷۰).

۵. نقش سلمان فارسی در فتح مدائن

نخستین فردی که از ایران اسلام آورد و در مدینه به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، «سلمان» است (اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۵۱-۵۰). سلمان نام اسلامی اوست و اقوال متفاوتی راجع به نام اصلی او ذکر شده و از آن جمله: «روزبه»، «ماهویه»، «بهبود» یا «مابه» برای او گفته شده است و پیغمبر اسم او را سلمان گذاشت (جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره‌ی قاجاریه، ۱۳۳۸: ۹/۲۰۵). کنیه او ابو عبدالله است (ابن بابویه، بی تا: ۳۱۳/۲). راجع به زادگاه او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. در روستای «جیان» اصفهان (یا قوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۹۶/۲) و به قولی قریه‌ی دشت ارژن فارس (هفت فرسنگی شیراز) (مهرراز، ۱۳۴۸: ۱۰۰) دیده به جهان گشود. هم‌چنین می‌گویند وی از مردم رامهرمز از مضافات خوزستان بوده که در سابق رامهرمز را به شیراز ملحق می‌ساخته‌اند (جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجاریه، ۱۳۳۸: ۹/۲۰۵).

ممکن است هر دو صحیح باشد، زیرا از خود او نقل شده است که گفت: «در رامهرمز از مادر زادم و پدرم اهل اصفهان است.» (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۶۴۷؛ جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجاریه، ۱۳۳۸: ۹/۲۰۶). پدر او بدخشان نام بود و شغل کشاورزی داشت (اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۵۱). سلمان غلام آزاد شده‌ی پیامبر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند به من فرمان داد که چهار نفر را دوست بدارم و به من خبر داد که او نیز آنها را دوست دارد، و آنها عبارت‌اند از: علی علیه السلام، سلمان، ابوذر و مقداد» (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۶۴۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مگو سلمان فارسی، بگو سلمان محمدی» (جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجاریه، ۱۳۳۸: ۹/۲۰۹؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/۶۴۶).

سلمان، پیشوا، راهنما و داعی اسلام بود و مردم شهر بهرسیر و هم‌چنین مردم کاخ سفید را سه روز و سه نوبت برای اینکه مسلمانی را بپذیرند، دعوت کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۵۱۴). او در دعوت و تبلیغ خود که به فارسی بیان کرد، می‌گفت:

«من سلمانم، از شما هستم. اسلام را دین خوبی دیدم و بدان گرویدم. من مسلمانم و شما را برای نجات از مظالم ستمگران و مساوات با مسلمانان دعوت می‌کنم.» (همان، ۱۳۷۱: ۸/۳۲۹).

طبری دعوت سلمان را این‌گونه بیان می‌کند:

«اصل من از شماس است و دلم به حالتان می‌سوزد. شما را به سه چیز می‌خوانم که به صلاح شماس است. اینکه مسلمان شوید و برادران ما باشید و حقوق و تکالیف شما همانند ما باشد، و گرنه

جزیه دهید، وگرنه با شما منصفانه جنگ می‌کنیم که خدا جنایتکاران را دوست ندارد.» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۱۶؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۲۱).

باقیمانده‌ی سپاه شکست خورده‌ی پارسیان بعد از جنگ قادسیه به مدائن رفتند و وقتی که مسلمانان به دجله که بسیار پرآب شده بود رسیدند، پل‌ها را برداشتند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷۶) و قایق‌ها را از بطایح^۱ تا تکریت^۲ بیسته‌اند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۱۸-۳۱۷) تا از هجوم مسلمانان جلوگیری کنند. در واقعه‌ی فتح مدائن، عبور مسلمانان از رود، واقعه‌ای بسیار شگفت‌آور بود. برای عبور از دجله سعد با سپاهیانش به آب زدند. سلمان فارسی کنار سعد بود. سعد می‌گفت:

«حسبنا الله و نعم الوکیل. بخدا که خداوند دوست خویش را یاری می‌دهد و دین خویش را غالب می‌کند و دشمن خویش را هزیمت می‌کند، به شرط آنکه در سپاه طغیان با گناهی نباشد که نیکی‌ها را محو کند».

و سلمان در پاسخ به او گفت:

«اسلام نو ظهور است و دریاها مطیع آنها شده و چنانکه دشت‌ها مطیع آنها شده بود، به خدایی که جان سلمان به فرمان اوست از اسلام گروه گروه برون می‌شوند، چنان که گروه گروه وارد آن شده‌اند» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۱۳).

به این ترتیب، از دجله عبور کردند و کسی از آنها غرق نشد (همان: ۱۸۱۴؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۲۰). به آن روز، روز «جراثیم» می‌گویند (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۱۳) که جمع جرثومه است و به معنای پایاب و بلندی زیر آب می‌باشد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۳۲۹). پارسیان با مشاهده‌ی این اقدام مسلمانان گفتند: «به خدا که به جنگ جنیان آمده‌ایم» و گریختند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۷۶).

نخستین تماس‌های مستمر ایرانیان با مسلمانان، در مدائن و نواحی آن آغاز شد و یکی از علل گرایش ایرانیان به تشیع مربوط به نقش سلمان در این راستا بوده است. طبق فرمان خلیفه عمر؛ (ابن بابویه، بی تا: ۲/ ۳۱۳) سعد، سلمان فارسی را به حکومت مدائن گماشت (سپهر، ۱۳۸۴: ۱۷۴؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۵۹). سلمان در دوره‌ی حکم‌داری‌اش، (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۶۳) با مدیریت حکیمانه و هم‌چنین با زهد و پارسایی به رهبری مردم پرداخت. وقتی که ایرانیان، زندگی، کردار و گفتار سلمان را دیدند، اسلام را به طور کامل و خالص در وجود او می‌دیدند. از آن جا که او شیعه علی^{علیه السلام} است، در نتیجه، مردم مذهب تشیع را انتخاب کردند. ملاقات سلمان با مردم مدائن موجب شکل‌گیری نخستین بنای تشیع در این شهر شد.

^۱ بطایح = بطیحه = بطحا: پهنه‌ای در میان واسط و بصره.

^۲ تکریت: جایی است در میانه بغداد و موصل و در کرانه‌ی دجله، که از آن تا بغداد سی فرسنگ است. دژی استوار در آن جاست.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای سلمان، پیش‌بینی قرار گرفتن تاج کسری بر سر او را کرده بود (قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۶۴۸). سلمان در سال ۳۴ هـ ق و به قولی ۳۶ هـ ق، در مدائن که حکمدار آن‌جا بود درگذشت و تربتش اکنون زیارتگاه مسلمانان است (جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجاریه، ۱۳۳۸: ۹/ ۲۴۵).

۶. نقش طبقه دهقان در فتح مدائن

اگر طبقات ساسانیان، هم‌سویی خود را با دولت حفظ می‌کردند، باعث دوام و بقای آن می‌شدند و بالعکس، اگر سر به مخالفت برمی‌داشتند باعث از هم گسیختگی یک‌پارچگی دولت می‌شدند. دهقانان یکی از طبقات نسبتاً مهم دوران ساسانیان به شمار می‌رفتند. از منابع این دوره برمی‌آید که آنان مالکینی بودند که نقش واسطه‌ی بین دولت و مردم، به ویژه روستاییان را ایفا می‌کردند. گیرشمن از آن‌ها به نام آزادان یاد می‌کند و می‌گوید: آنان نجبای کوچک و مالک املاک یا «رؤسا»-ی دهکده‌ها بودند و ارتباط بین روستاییان و حکومت مرکزی را - که عمال دولتی، نماینده‌ی آن بودند - تأمین می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۴۰۲).

دهقانان ایرانی، در منابع اسلامی نقش‌های گوناگونی داشته‌اند. گاهی رؤسای محلی بوده‌اند و گاهی حاکمان ایالات. طبق منابع، اکثر دهقانان به گونه‌ی بارزی با مسلمانان همکاری داشتند و مسلمانان از راهنمایی و کمک این طبقه در فتح بلاد ایران استفاده بردند (فروغی ابری، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۴۸).

زهره، فرماندهی سعد، با شیرازاد دهقان، حاکم ساباط، روبرو شد و شیرازاد صلح و تسلیم را پیشنهاد کرد. زهره درخواست او را به سعد گفت و سعد به شرط پرداخت جزیه، صلح را پذیرفت. در ماه صفر سال ۱۶ هـ ق وارد شهر بهرسیر شدند. سعد دسته‌های سواران را برای غارت مردم غیر معاهد به اطراف فرستاد و هر یک از آنان یک برزگر را به اسارت گرفت. عده‌ی آنها صد هزار نفر بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۳۲۱-۳۱۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۰۶؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/ ۳۱۵). شیرازاد گفت: «اینان تبعه‌ی پارسیان‌اند و به جنگ شما نیامده‌اند، ره‌اشان کن تا رأی شما درباره‌ی آن‌ها روشن شود» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۰۶). سعد در این کار پس از مشورت با عمر که پیغام آزادی آن‌ها را داده بود از اسارت درآورد، سپس آن‌ها را نزد دهقانان فرستاد و آن‌ها را به قبول اسلام یا پرداخت جزیه دعوت کرد و آن‌ها نیز پرداخت جزیه را پذیرفتند (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۸۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۸/ ۳۲۲-۳۲۱).

دهقانان بعد از سقوط ساسانیان و سلطه‌ی مسلمانان بر ایران هم‌چنان واسطه‌ی بین حکام و رعایا بودند و همان نقش جمع‌آوری خراج را به عهده داشتند. دهقانان در ایران، مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کردند (زیدان، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۵۸). علاوه بر این، گاهی به‌عنوان مسلمان در

لشکرکشی‌های مسلمانان، تحت نام جهاد شرکت می‌کردند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲/ ۱۰۰). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دهقانان برای حفظ مقام سابق خویش از فاتحان استقبال کرده‌اند. ورود اسلام به ایران باعث نشد که دهقانان، مقامشان را از دست بدهند؛ بلکه با اسلام آوردن می‌توانستند وضع خود را تثبیت کنند.

۷. نقش اسواران در جریان فتح مدائن

نام اسواران در کتیبه‌های عصر ساسانی به چشم نمی‌خورد (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۳/ ۹۳-۹۲). طبری و ابن بلخی، ریشه‌ی اسواران را به عصر پادشاهان کیانی می‌رسانند (طبری، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۹۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۴۲). اصطخری سرزمین دیلم را این‌گونه معرفی می‌کند:

«زمین دیلمان بهری کوهست و بهری هامون. آنچه هامون است زمین گیلان است بر کنار دریای خزر در زیر کوه‌های دیلمان، و آنچه کوهستانست دیلمان اصلی باشد». (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۸)

مدائنی می‌گوید که خسرو پرویز، ۴۰۰۰ تن از این اسواران را از دیلم با خود به تیسفون آورد و آن‌ها را خدمه و خاصان خود کرد. آن‌ها هم‌چنان در همین مقام بودند و بعد از کشته شدن رستم در نبرد قادسیه، این دیلمیان از ایرانیان جدا شدند. بلاذری از اینان تحت عنوان «سپاه شاهنشاه» یاد می‌کند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۹-۳۹۸). در نبرد قادسیه، دیلمیان و سران پادگان‌ها که با مسلمانان همکاری کرده بودند، گفتند: «برادران ما که از آغاز کار به مسلمانی گرویدند بهتر و صایب‌تر از ما بودند. بخدا پاریسیان پس از رستم توفیق نیابند، جز آن‌ها که مسلمان شوند» (طبری، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۷۴۲-۱۷۴۱). آن‌ها درخواست مسلمان شدن خود را از طریق مغیره بن شعبه به سعد رساندند و سعد آن‌ها را امان داد و در فتح «مدائن» و «جلولاء»^۱ همراه سعد بودند و پس از آن همراه مسلمانان در کوفه اقامت کردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۹) و نقش مهمی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این شهرها بازی کردند. در واقع گسست اصلی در لشکر ساسانی جدا شدن اینان از لشکر رستم می‌باشد (چوکسی، ۱۳۸۹: ۹۲).

اسواران در جنبش‌های سیاسی علیه سیاست ظالمانه‌ی امویان نسبت به موالی چون جنبش مختار و عبدالرحمان بن اشعث شرکت داشتند. آن‌ها به فعالیت‌های فکری نظیر اندیشه‌ی قدری روی آوردند. پیروان این فرقه معتقدند که انسان در برخی از اعمال ارادی خود اختیار دارد و توانایی تعیین سرنوشت خویش را دارد (فرمانیان، ۱۳۸۶: ۲۶۰ و ۲۶۵). با پیروی از این تفکر به مقابله با

۱. جلولاء: شهرکی در راه بغداد به خراسان، نام نه‌ری هم هست.

اندیشه‌ی جبرگرایی امویان برخاستند که برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خود استفاده می-کردند (حیدری، ۱۳۹۱: ۹۵).

۸. نتیجه‌گیری

ایرانیانی هم‌چون اسواران، شیرازاد دهقان و سلمان فارسی با کمک به سپاهیان مسلمان باعث پیروزی آن‌ها در فتح مدائن شدند. سلمان علاوه بر دعوت مردم به اسلام، به خاطر شخصیت اسلامی که در مدت حکومتش بر مدائن داشت باعث جذب توده‌های مردم به شیعه‌ی آل علی^{علیه السلام} شد و شیرازاد به‌عنوان نماینده‌ی دهقانان جامعه‌ی ساسانی با مسلمانان از در صلح درآمد.

اسواران به‌عنوان نیروی ویژه ارتش ساسانی تا آغاز جنگ قادسیه، دلیرانه در مقابل تهاجم اعراب مسلمان جنگیدند. بخشی از آنان بعد از نبرد قادسیه از سپاه رستم جدا شدند و به مسلمانان پیوستند و آن‌ها را در فتح مدائن و جولاء یاری دادند، سپس در شهرهای تازه تأسیس بصره و کوفه ساکن شدند. آن‌ها در جنبش‌های ضد اموی شرکت داشتند و باعث پیدایش فرقه‌ی قدری شدند که به-نوعی با اندیشه‌ی جبرگرایی امویان در تضاد بود.

منابع:

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م). **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**. ج ۲. بیروت: دارالصادر.
- _____ (۱۳۷۱). **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**. ج ۸. ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطالعات علمی.
- ابن اعثم کوفی (۱۳۷۲). **الفتوح**. ج ۱. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب.
- ابن بابویه، محمد علی (بی تا). **ترجمه خصال صدوق**. ج ۲. ترجمه مدرس گیلانی. بی جا: جاویدان.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). **فارسنامه**. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل. محمد (۱۹۳۸ م). **صوره الأرض**. ج ۱. بیروت: دارالصادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳). **العبر (تاریخ ابن خلدون)**. ج ۲. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷). **تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی**. ج ۱. ترجمه جواد فلاطوری. تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۴۷). **مسالك و ممالک**. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- الاصفهانی، حمزه بن الحسن (بی تا). **تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء**. بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.
- بالذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). **فتوح البلدان**. ترجمه محمد توکل. تهران: نقره.
- جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجاریه (۱۳۳۸). **نامه دانشوران ناصری**. ج ۹. قم: دار الفکر.
- حیدری، سلیمان و حسین پوراحمدی (۲۳۹۰ و ۱۳۹۱). «نقش اسواران و فرزندان آنان در دوره‌ی اسلامی». **مجله تاریخ ایران**، ش ۶۹/۵ (زمستان ۱۳۹۰ - بهار ۱۳۹۱)، ص ۷۸-۹۸.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۱). **اخبار الطوال**. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲). **تاریخ ایران بعد از اسلام**. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۹). **دو قرن سکوت**. تهران: سخن.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۳). **تاریخ تمدن اسلام**. ج ۲. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: چاپخانه سپهر.
- سپهر، محمد تقی بن محمد علی (۱۳۸۴). **ناسخ التواریخ: تاریخ خلفا (عمر بن خطاب)**. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳ ه.ق.). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ه.ق.). **تاریخ الامم و الملوک**. ج ۴. بیروت: روائع التراث العربی.
- _____ (۱۳۷۵). **تاریخ طبری**. ج ۱ و ۵. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۶). **فرق تسنن**. قم: نشر ادیان.

فروغی ابری، اصغر(۱۳۸۳). «تعامل طبقات اجتماعی ایران عهد ساسانی با اعراب مسلمان در فتح ایران».

مجله تاریخ در آینه پژوهش. ش ۲. تابستان. صص ۱۶۲-۱۱۱.

قمی، عباس(۱۳۶۳). **سقیفه البحار و مدینه الحکم و الآثار**. ج ۱. تهران: فراهانی.

کریستین سن، آرتور(۱۳۸۹). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. تهران: مؤسسه نگاه.

گرشاسپ چوکسی، جمشید(۱۳۸۹). **ستیز و سازش**. ترجمه نادر میرسعیدی. تهران: ققنوس.

گریشمن، رومن(۱۳۸۶). **ایران از آغاز تا اسلام**. ترجمه محمد معین. تهران: دنیای کتاب.

لسترنج(۱۳۳۷). **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**. ترجمه محمود عرفان. تهران:

بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمدی اشتهاردی، محمد(۱۳۷۱). **ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع در ایران**.

تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مسعودی، علی بن حسین(۱۳۷۴). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ج ۱. ترجمه ابوالقاسم پاینده.

تهران: علمی و فرهنگی.

مسکویه رازی، ابوعلی(۱۳۶۹). **تجارب الامم**. ترجمه ابوالقاسم امامی. ج ۱. تهران: سروش.

مصاحب، غلامحسین(۱۳۴۵). **دایره المعارف فارسی**. ج ۲، تهران: فرانکلین.

مقدسی، محمد بن احمد(۱۴۱۱ه.ق/۱۹۹۱م.). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**. ج ۱. قاهره:

مکتبه مدبولی.

مهراز، رحمت الله(۱۳۴۸). **بزرگان شیراز**. تهران: مرد مبارز.

یارشاطر، احسان(۱۳۷۷). **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**. ج ۳. تهران:

امیرکبیر.

یاقوت حموی، شهاب الدین(۱۹۹۵م.). **معجم البلدان**. جج ۲ و ۳. بیروت: دار الصادر.

یعقوبی، ابن واضح(۱۳۷۱). **تاریخ یعقوبی**. ج ۲. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز